

## توسعه نیافتگی واردات و صادرات ایران و روسیه در عصر قاجار (۱۱۷۴-۱۳۰۴ ه.ش)

مجید گلمحمدی<sup>۱</sup>، محمود سید<sup>۲</sup>

### چکیده

ایران در دوره قاجار برای نوسازی ساختارهای قدیم خود و آشنایی با اقتصاد و صنعت و پیشرفت‌های واردات و صادرات گام‌های برداشت، اما چشمگیر نبود. ضعف ساختار اقتصادی سبب شد تا در اقتصاد بین‌المللی آن عصر جایگاهی نداشته باشد اما موقعیت مناسب تجاری ایران رابطه با کشور روسیه را گسترش داد. هدف این پژوهش این است با تکیه بر اسناد دوره قاجار ساختار توسعه نیافتگی واردات و صادرات با کشور روسیه مورد بررسی قرار گیرد. سعی شده از لحاظ نظری دلایل جایگزینی واردات و صادرات ایران و عواملی که ایران را در چنبره وابستگی و عقب‌ماندگی قرارداد را مورد تحلیل قرار دهیم. فرضیه اصلی این تحقیق تأثیر سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌های قاجار و دولت‌های بعد آن بر توسعه نیافتگی واردات و صادرات ایران و روسیه است. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع با روش تاریخی انجام شده است. تحقیق تاریخی با استفاده از اسناد و مدارک انجام می‌شود تا از این طریق بتوان ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آن‌ها را تبیین کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۶). بر همین اساس، نکته اساسی در تحقیقات تاریخی اعتبار اسناد و مدارک مورد بررسی است. در تحقیق حاضر پژوهشگر به صورت مطالعه موردی و مراجعه به کتابخانه (روش کتابخانه‌ای) و با مراجعه و مشورت با همکاران متخصص و نقد بیرونی و درونی منابع داده‌ها، تلاش کرده است منابع مورد استفاده از اعتبار قابل قبولی برخوردار باشند. یافته تحقیق بر دو مطلب تأکید دارد: ۱- دولت‌های استعمارگر از جمله روسیه در قرن نوزدهم از طریق محدود کردن فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در حوزه‌های مهم صنعتی، ایجاد وابستگی صنعتی و محدود کردن واردات و صادرات، ورشکسته کردن صنایع داخلی، سوق دادن اقتصاد کشور به سمت تولید مواد اولیه و خام و محروم کردن ایران از دریافت بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی در یک دوره بلندمدت، نقش مهمی در توسعه نیافتگی صنعتی ایران دارند. ۲- اگرچه قاجارها زمینه‌ساز توسعه نیافتگی صنعتی ایران بودند، اما دولت‌های پس از قاجار نیز در توسعه نیافتگی صنعتی ایران نقش پررنگی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** توسعه نیافتگی، واردات و صادرات ایران، عصر قاجار.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: majid.golmohamadi110@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار، گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: mahmood.seyyed@yahoo.com)

## مقدمه

توسعه، توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی از دیرباز از مباحث بسیار مهم و اغلب چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف علوم اقتصادی بوده است. در ایران نیز، آن‌چنان‌که بیشترین متفکران گفته‌اند از مشروطه تاکنون، جامعه‌ای در حال گذار و در حال توسعه را شاهد هستیم و طبیعی است که بحث توسعه، توسعه‌نیافتگی و علل عقب‌ماندگی ایران از دغدغه‌های مهم آنان بوده باشد و به‌عنوان یکی از محورهای مطالعات چند رشته‌ای، گرایش‌ها مختلف و رهیافت‌های متعددی را به خود معطوف کرده است. عمده این مباحث و مطالعات نیز بر شناخت وضعیت توسعه‌نیافتگی<sup>۱</sup> ایران و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت تمرکز یافته است (وطن‌خواه، ۱۳۸۰).

با نگاهی واقع‌بینانه به مقوله توسعه‌نیافتگی در کشورهای توسعه‌نیافته، به‌طور عام و در ایران، به‌طور ویژه، به نظر می‌رسد که مباحث توسعه در حوزه نظریه‌پردازی و نیز در عرصه عمل در ایران غالباً متأثر از روند شکل‌گیری و سلطه پارادایم‌ها و راهبردهای عملی مسلط جهانی شکل گرفته است. در دوره قاجار هم رکود اقتصادی وجود داشته و هم می‌توان مقدمات نوین‌سازی را در دوره طولانی حکومت خاندان قاجار در فاصله سال‌های ۱۳۰۴-۱۱۷۹ ش مشاهده کرد. عصر قاجار در مسائل نظری و تفسیر واقعیات تاریخی گرفتار مشکل بوده است (ذوقی، ۱۳۷۸). دوران قاجار یکی از دوره‌های حساس تاریخی ایران است که بیش از هر دوره دیگر از دولت‌های بزرگ استعماری اثر پذیرفت. ضعف تشکیلات سیاسی، نظامی و اقتصادی از یک‌سو و تهاجم کشورهای خارجی از سوی دیگر باعث شد تا ایران در مناسبات سیاسی خود به‌صورت کشوری منفعل درآید که بی‌گمان انگلیس و روسیه بیشترین نقش را در این زمینه داشتند (حسنی، ۱۳۸۸، ۱۳۷). اقتصاد سنتی ایران در مقابل اقتصاد صنعتی غرب توان مقاومت نداشت و خیلی زود از پای درآمد. در نتیجه اقتصاد سنتی و بومی ایران به‌تدریج نابود شد و فقط اقتصاد سنتی - کشاورزی باقی ماند. به دلیل آنکه کشور ایران وارد تحولات و معادلات جهانی با کشور روسیه شد و این معادلات شکست‌های سیاسی و نظامی برای کشور ایران به دنبال داشت، با توجه به آنچه گفته شد در این تحقیق به دنبال بررسی عوامل توسعه‌نیافتگی واردات و صادرات ایران و روسیه در دوره قاجار و تأثیر سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌های قاجار بر توسعه‌نیافتگی واردات و صادرات ایران و روسیه می‌باشیم.

## ملاحظات نظری

در این نوشتار بررسی توسعه نیافتن واردات و صادرات و تحلیل آن در واقع ساختار اقتصادی را برای ما مشخص می‌کند، در این تحقیق جایگاه و موقعیت تجاری کشور ایران در دوره قاجار به مشخص می‌شود. تحلیل توسعه نیافتن واردات و صادرات خارجی ایران و روسیه دریچه‌ای را برای فهم نحوه بازرگانی در آن دوره، نحوه تأسیس شرکت‌های گوناگون، وابستگی تجاری به کشورهای اروپایی، ابزارهای توسعه نیافته تجارت باز می‌کند. با تکیه بر اسناد معتبر وابستگی تجاری، واگذاری امتیازات در عرصه‌های مختلف تجاری ایران به کشور روسیه و عدم رشد اقتصادی را می‌توان به‌صورت قابل درک و معتبر ارائه داد. واردات و صادرات هر دوره دقیقاً منطبق با نیازمندی‌های جامعه عمل می‌کند. تجارت خارجی بخش حاشیه‌ای از اقتصاد کشور و به‌عنوان مازاد تلقی می‌شود، مستقیم و غیرمستقیم بر شکوفا شدن و نشدن اقتصاد جامعه اثر می‌گذارد. مشخص می‌شود دلیل عدم رشد روابط کالا، پولی و بازرگانی خارجی بر چه اساسی است؟ آیا این عدم توسعه بر گسترش شهرها، و بسط بازار داخلی اثرگذار بوده است؟ کسب امتیازات چه زیان‌های سیاسی و اقتصادی را به دنبال داشته؟ می‌توان به این نکته اشاره کرد در زمان قاجاریه عقب‌ماندگی اقتصادی ایران از کشورهای اروپایی بیش‌ازپیش آشکار گردید. ضعف اقتصادی، دلیل عمده توسعه‌نیافتگی کشور و سرمایه‌داری وابسته ماهیت دخالت دولت‌های بزرگ استعماری را آشکارتر می‌کند. بررسی آیتم‌های کلیدی در عدم توسعه واردات و صادرات تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار، شرکت‌های فعال در حوزه واردات و صادرات، میزان معاملات تجاری ایران با روسیه، نحوه فعالیت بازرگانان، میزان سرمایه‌داری دولت قاجار و نفوذ دولت استعمارگر روسیه می‌تواند مسائل و مشکلات اقتصاد ایران در دوره قاجار را برای ما آشکار سازد.

<sup>۱</sup> Under development

### برخی از تحقیقات انجام شده درباره علل توسعه نیافتگی در دوره قاجار با روسیه

- احمدی، سیروس (۱۳۹۴)، با بررسی تحلیل تاریخی موانع توسعه صنعتی ایران و وجود دولت‌های استعمارگر از جمله روسیه و با تمرکز بر دوره تاریخی رابطه ایران با کشورهای خارجی و معاهدات بازرگانی، به این نتیجه دست پیدا کرد که دولت‌های استعمارگر از طریق محدود کردن فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در حوزه‌های مهم صنعتی، ورشکسته کردن صنایع داخلی، سوق دادن اقتصاد کشور به سمت تولید مواد اولیه و خام و محروم کردن، ناتوانی در جذب سرمایه خارجی و هزینه‌های بالای نظامی زمینه‌ساز توسعه نیافتگی اقتصاد ایران بودند که دولت قاجار نقش پررنگی در این توسعه نیافتگی داشت.
- ابوالحسن شهواری (۱۳۸۷)، در اثر خود به نام بررسی اجمالی موانع رشد تجارت و شیوه‌های معامله در دوره قاجاریه، مشکل اساسی و توسعه نیافتن تجارت در ایران در دوره قاجاریه، را امنیت تجار خارجی و فقدان امنیت تجار و تجارت داخلی ذکر کرده است. نفوذ سیاسی روزافزون غربی‌ها در ایران سبب شده بود تا تجار غربی و فعالیت‌های اقتصادی آنان زیر چتر حمایت حکومت قرار گرفته، از امنیت برخوردار باشند. این امنیت از زمان شکست ایران در جنگ دوم ایران و روسیه و انعقاد معاهده ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ م، برقرار شد.
- کاظم علمداری (۱۳۸۴) در اثر خود به نام «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟» به طور خلاصه در یک عبارت کلی، عقب ماندگی ایران و پیشرفت غرب را بر محور دو عامل کلیدی یعنی «پیدایش سرمایه‌داری» و «جدایی دین و دولت» در غرب و نبودن پیدایش سرمایه‌داری و پیوند دین و دولت در ایران می‌داند.
- پوریانی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، با بررسی روی پیامدهای اصلی توسعه نیافتگی در چند دهه اخیر در ایران، ویژگی‌های کشورهای توسعه نیافته، روند اهداف توسعه سیاست‌ها، عوامل اصلی توسعه، الزامات اصلی و کلیدی توسعه و با بررسی اجمالی برنامه توسعه قبل و بعد از انقلاب، به این مسئله تحقیق پرداخته است و عواملی چون مناطق تجارت آزاد، فقدان مسئولیت رجال، خصوصی سازی شرکت‌ها، سطح پایین تولیدات و ... در توسعه نیافتگی دخیل هستند.

### توسعه نیافتگی<sup>۱</sup>

فورتادو<sup>۲</sup> در تعریف توسعه نیافتگی می‌گوید: «توسعه نیافتگی وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کار برای امکان استفاده هم‌زمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست». توسعه نیافتگی وضعیتی است که از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته ناشی می‌شود؛ بنابراین، توسعه نیافتگی را در پیوند با پویایی‌هایی که از خارج به کشورهای توسعه نیافته تحمیل شده و نمود عینی عنصر وابستگی به نظام سرمایه‌داری جهانی است در نظر گرفته‌اند. در عین حال مفهوم توسعه نیافتگی با عقب ماندگی و هم‌چنین تأخیر در توسعه با توسعه کند به یک معنی در نظر گرفته شده است. عقب ماندگی یا توسعه نیافتگی به طور خلاصه بیانگر وضعیت زیستی یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر در همین زمینه است که بدون در نظر گرفتن این مقایسه معنایی نمی‌یابد. یک نگاه اجمالی در تاریخ کشورهای توسعه نیافته دو مسئله عمده را برای ما روشن می‌سازد: اول اینکه اغلب کشورهای توسعه نیافته در مقطعی از تاریخ خود یا مستعمره کشورهای توسعه یافته صنعتی امروزی بوده‌اند و یا وابستگی‌های اقتصادی - سیاسی نزدیکی با آن‌ها داشته‌اند.

مسئله دوم اینکه علل توسعه نیافتگی را بایستی در پدیده "توسعه" جست‌وجو کرد، چرا که توسعه نیافتگی هنگامی به وجود آمد که توسعه یافتگی پدیدار گردید، در واقع توسعه یافتگی و وابستگی دو روی یک سکه واحد هستند و شناخت هر یک از این دو پدیده نیازمند شناسایی پدیده دیگر است (پوریانی، ۱۳۸۵، ۱۶۲).

<sup>1</sup> under development

<sup>2</sup> furtado

پس تعریف و توضیح توسعه‌نیافتگی که پدیده‌ای کلی و حالت پیچیده است تنها با توجه به مجموعه‌ای از عوامل مهم و مشترک حاصل می‌شود، مایکل تودارو معتقد است که تنوع ساختی این کشورها از هفت عامل ذیل نشأت می‌گیرد:

۱. اندازه کشورها؛ ۲. تکامل تاریخی؛ ۳. منابع مادی و انسانی؛ ۴. اهمیت نسبی بخش‌های عمومی و خصوصی؛ ۵. ماهیت، ساخت صنعتی کشور؛ ۶. درجه وابستگی کشور به قدرت‌های اقتصادی و سیاست خارجی؛ ۷. توزیع قدرت و ساخت نهادی و سیاسی کشور (تودارو، ۱۳۶۴، ۷۲-۶۵).

### دیدگاه‌هایی نظری وابستگی درباره توسعه

بحث اصلی در تاریخ اقتصادی ایران، حول محور ماهیت تغییراتی می‌گردد که در قرن نوزدهم اتفاق افتاده است. عصر قاجار با وجودی که چند مورخ غرب به خود دیده، اما در مسائل نظری و تفسیر واقعیات تاریخی گرفتار مشکل بوده است. در نوع داوری بسیار متفاوت مطرح شده است: از طرفی، افرادی چون نوشیروانیه کیلر<sup>۱</sup> و نشاط، بررسی‌هایی را ارائه کرده‌اند که با توجه به موضوع‌هایی از قبیل «تجاری شدن کشاورزی»، «نوسازی نهادها»، «افزایش درآمد سرانه» و غیره بر «پیشرفت» تأکید کرده‌اند. توسعه ایران، «وابسته» بوده، به این معنی که مسیر آن از خارج تعیین شده و در هر شکل و محتوی به شدت محدود بوده است. به عبارتی همان‌طور که اصطلاح «توسعه وابسته» بیان می‌دارد ایران هم رشد و هم محدودیت‌های رشد، «توسعه» اقتصادی، وابستگی به عوامل خارجی و افزایش مطلق شاخص‌های کلیدی متعدد- جمعیت، تولید ناخالص داخلی و تجارت خارجی را تجربه کرده که در عین حال متضمن بازتاب‌های منفی بر سطح زندگی، توازن پرداخت‌ها، تورم، بودجه دولت اشتغال در صنایع دستی و حرفه و غیره نیز بوده است (اشرف، ۱۳۵۹).

سه نظریه عمده و جدید در حوزه جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی وجود دارد که شامل دیدگاه وابستگی، نظریه نظام جهانی و تحلیل شیوه‌های تولید، می‌باشد. کامل‌ترین روایت الگوی نظری وابستگی، از کاردوزو<sup>۲</sup> و فالتو<sup>۳</sup> در کتاب وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین است. اولین تعریفی که آن‌ها از وابستگی ارائه می‌کنند، اقتصادی است: «از دیدگاه اقتصادی، یک نظام زمانی وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند جز پویای ذاتی‌اش را در درون این نظام بیاید. این نحوه تنظیم و ارائه مسئله به یک نظام اقتصادی بین‌المللی - سرمایه‌داری - اشاره می‌کند که در آن ملل مختلف از لحاظ سطوح کیفی قدرت و نفوذ، موقعیت‌های متفاوتی دارند. در مرکز ملل پیشرفته صنعتی، بخش‌های کلیدی تکنولوژی و امور مالی را کنترل می‌کنند، و این امتیازی است که اشکال خاص صنعتی شدن در پیرامون را تعیین می‌کند. چنین استدلال می‌شود که این نوع رشد صرفاً نابرابری را تعمیق می‌کند. «توسعه» دربرگیرنده بهبود سطح زندگی یا نظام‌های سیاسی متکی بر آراء مردم نیست، بلکه بیشتر به یک فرایند انباشت سرمایه اطلاق می‌شود که وابستگی جهان سوم به سرمایه و تکنولوژی ملل پیشرفته صنعتی، عوامل تعیین‌کننده و ابعاد آن را مشخص می‌کند. از سوی دیگر وابستگی مانع صنعتی شدن جهان سوم نمی‌گردد. چنانکه پیتراونس<sup>۴</sup> ادعا می‌کند: «توسعه وابسته بر انباشت سرمایه و تا حدی صنعتی شدن در پیرامون اشاره دارد. باید تأکید شود که توسعه وابسته نفی وابستگی نیست، بلکه وابستگی آمیخته با توسعه است.»

مسائلی که باید به آن‌ها پرداخته شود، نیروهایی اقتصادی‌اند که بر عملکرد بازار جهانی تأثیر می‌گذارند: ساختار نظام تولید ملی و نوع ارتباطی که با بازار خارجی ایجاد کرده است. شکل ساختاری - تاریخی این جوامع و شیوه‌های واگذاری و حفظ قدرت و مهم‌تر از همه جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرآیندهایی که برای ایجاد تغییر اعمال فشار می‌کنند و جهت‌گیری و اهداف این جنبش‌ها (فوران، ۱۳۷۱، ۳۴).

<sup>1</sup> N.kiler

<sup>2</sup> F.h.cardose

<sup>3</sup> E. faletto

<sup>4</sup> P.Evans

بنابراین اشکال وابستگی می‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت باشند. این تنوع اشکال، در چارچوب‌ها و وضعیت‌های سیاسی - اجتماعی، با شاخص‌هایی از قبیل نوع و اندازه طبقه کارگر و نیز طبقه سرمایه‌دار، اندازه و نوع «طبقه متوسط»، اهمیت سازمان‌هایی اداری، نقش ارتش‌ها، اشکال دولت، ایدئولوژی‌های پایه‌ای جنبش‌های اجتماعی و جز آن، بازشناخته می‌شوند. تحلیل تاریخی - ساختاری روندهای اساسی‌ای را آشکار می‌کند که گسترش سرمایه به‌واسطه آن پدید می‌آید و به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی - سیاسی حدود مرز می‌یابد. فهم و شناخت توسعه سرمایه‌داری، به این معنا، مستلزم بررسی طبقات اجتماعی و چارچوب‌های سیاسی است که تحقق اشکال و مراحل مختلف انباشت سرمایه را ممکن یا ناممکن می‌کند. وابستگی، بسته به شرایط زمان و مکان، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد و به فرآیندهای متنوع توسعه و دگرگونی اجتماعی منجر می‌شود و فهم دگرگونی اجتماعی در یک کشور معین مستلزم بررسی دقیق تغییرات ساختار طبقاتی در طول زمان و توجه به نحوه اثرگذاری نیروهای خارجی بر توزیع قدرت در داخل است

### واردات و صادرات در دوره قاجار

رقابت انگلستان و روسیه تزاری بر سر کسب نفوذ در ایران در خلال قرن نوزدهم به‌طور مستمر افزایش یافت تا آنجا که این دو قدرت اروپایی با فرارسیدن سال ۱۹۱۴ م، بر تجارت خارجی ایران تسلط یافتند و همگام با آن، نفوذ سیاسی و نظامی قابل ملاحظه‌ای نیز کسب کردند (تیموری، ۱۳۷۹، ۱۴۲).

### روابط با روسیه

روسیه در سال‌های ۱۸۰۱ و ۱۸۲۸ م (۱۲۰۷-۱۱۸۳ ش)، در دو جنگ عمده با ایران درگیر گشت که معلوم شد وسیله قدرتمندی برای گسترش تجارت بود. نخستین جنگ بر سر قفقاز (نواحی گرجستان و ارمنستان که از قرن هفدهم میلادی متعلق به ایران بودند) در گرفت و با شکست ایران در سال ۱۸۱۳ م (۱۱۹۶ ش)، پایان یافت. معاهده گلستان ایران را مجبور کرد گرجستان و باکورا واگذار کند و عوارض واردات و صادرات بین دو کشور را در حد اندک ۵ درصد مقرر دارد. جنگ دوم ایران و روس، از سال ۱۸۷۶ م تا سال ۱۸۲۸ م به طول انجامید و با شکست ایران پایان یافت و منجر به واگذاری نوای ارمنستان به روسیه و پرداخت غرامت جنگی به مبلغ ۳ میلیون لیره استرلینگ شد. به‌این ترتیب ایران در این دو جنگ، بخش‌هایی از سرزمین، جمعیت، ثروت و استقلال تجارت خود را از دست داد. تجارت روسیه با ایران، علی‌رغم جنگ به‌طور مستمر گسترش یافت و در پی آمد هر جنگ امتیازات عمده‌ای نصیب روسیه شد. کل تجارت روسیه با ایران در خلال دوره ۶۰-۱۸۵۰ م، سالانه معادل ۵۵۴۰۰۰ روبل در دوره ۲۹-۱۸۲۷ م (۸-۱۲۰۶ ش) معادل ۵/۷ میلیون روبل و در دوره ۴۹-۱۸۴۴ م، معادل ۶/۲ میلیون روبل برآورد شده است (فوران، ۱۳۷۱، ۳۷).

روسیه مواد خام و محصولات کشاورزی و نیز برخی محصولات صنایع‌دستی به ایران صادر می‌کرد و ایران نیز مجموعه‌ای از مواد شام، مواد غذایی و منسوجات خود را به روسیه می‌فرستاد. صادرات ایران به روسیه در این زمان به نحو چشمگیری بر واردات از آن کشور، فزونی داشت. پس از سال‌های دهه ۱۸۵۰ م (۱۲۳۰ ش) قدرت اقتصادی روسیه در ایران دستخوش تغییرات کمی و کیفی شد. روسیه چون صنعتی شد و راه‌های آهن خود را در نواحی آسیایی‌اش گستراند نفوذ اقتصادی در ایران با سرعت گسترش یافت. امتیازات مهمی در شیلات، احداث راه و جاده، تلگراف و بانک اخذ شد. روس‌ها برای جلوگیری از ورود کالاهای بریتانیا به شمال ایران، در سال ۱۸۹۰ م (۱۲۶۹ ش) موافقت شاه را در این مورد که هیچ راه آهنی در ایران ساخته نشود، به دست آوردند. و عملاً نیز تا سال‌های دهه ۱۹۲۰ م (۱۳۰۰ ش) هیچ راه آهنی در ایران ساخته نشد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ اقتصادی، بانک روس برد که اموال زیادی نزد آن به رهن گذاشته شد، قراردادهایی در مورد محصولات کشاورزی ایران منعقد کرد و وام‌های بزرگی به دولت قاجار داد. با فرارسیان سال ۱۹۱۴ م (۱۲۹۳ ش) این بانک از کل سرمایه‌گذاری‌های روسیه در ایران که به ۱۶۴ میلیون روبل بالغ می‌شد، کنترل ۱۲۷ میلیون روبل را در دست داشت و این رقم از کل سرمایه‌های بریتانیا در ایران بیشتر بود (حسنی، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

اداره تجارت روسیه با ایران در دست ۲۳ بنگاه بزرگ و چندین بنگاه کوچک‌تر بود که در شهرهای پرجمعیت شمالی، از جمله تهران متمرکز بودند. تجارت روسیه با ایران، با انعقاد قرارداد تعرفه جدیدی در سال ۱۹۰۳ م (۱۲۸۲ ش) تسهیل شد که به شدت به ضرر بریتانیا (و ایران) بود و واردات روسیه از قبیل پنبه و برنج و صادرات آن از قبیل نفت سوخت و چای را ارزان‌تر و چای بریتانیا را گران‌تر می‌کرد. درحالی‌که ایران به نحو فزاینده‌ای به عرضه مواد خام (پنبه، برنج، خشکبار) روی آورد و روسیه شروع به ارسال برخی از کالاهای ساخته‌شده صنعتی جدید و محصولات غذایی فرآیند شده (منسوجات، شکر، چای) کرد، ماهیت تجارت دو کشور نیز تغییر یافت. موازنه تجاری دو کشور تا سال ۱۹۰۵ م (۱۲۸۴ ش) به آرامی به نفع روسیه تغییر کرد و مازاد تجاری روسیه در دوره ۱۴-۱۹۱۰ م، سالانه به یک میلیون لیره استرلینگ بالغ شد (اکبری، ۱۳۸۴، ۸۸).

تا سال ۱۹۱۴ م (۱۲۹۵ ش)، روسیه ۵۶ درصد از واردات ایران را تأمین می‌کرد و ۷۲ درصد صادرات آن را می‌خرید. سهم بریتانیا به ترتیب ۲۸ و ۱۳ درصد بود. «انثرا» تسلط فوق‌العاده روسیه بر حوزه اقتصاد ایران را در شروع جنگ جهانی اول به خوبی بیان کرده است: «ایران تا حد چشمگیری در مدار اقتصادی روسیه قرار گرفته و به جزئی کار کردی از اقتصاد روسیه تبدیل شده بود.» این سلطه اقتصادی درصحنه سیاسی نیز بازتاب می‌یافت. در سال ۱۹۰۴ م (۱۲۸۳ ش) دستورالعمل وزارت خارجه روسیه به نماینده جدیدی در تهران مقرر می‌داشت: «هدف عمده‌ای را که... در مسیر تماسی طولانی با ایران پیگیری کرده‌ایم می‌توان به این شرح تعریف کرد: حفظ یکپارچگی و مصونیت قلمرو شاه، بدون این که در پی گسترش قلمرو ارضی خود باشیم و جلوگیری از تسلط یک قدرت سوم تا به تدریج ایران را تابع سلطه خود کنیم بدون آن که خطری متوجه نشانه‌های برونی استقلال ایران یا ساختار داخلی آن شود. به بیان دیگر، وظیفه ما: از لحاظ سیاسی تبدیل ایران به کشوری مطیع و فایده‌مند است؛ یعنی آن قدر قوی که ابزاری در دست ما باشد. از نظر اقتصادی نیز وظیفه ما حفظ سهم عمده بازار ایران برای بهره‌برداری آزاد و انحصاری توسط سرمایه و اقدامات اتباع روسی است. اگر به تحقق این رابطه نزدیک و نتایج سیاسی و اقتصادی آن توفیق یابیم، بنیاد محکمی برای ادامه فعالیت ثمربخش ما ایجاد خواهد شد...» (احمدی، ۱۳۹۴)

روسیه علی‌الخصوص در میان تجار، دهقانان و قبایل شمالی صاحب نفوذ بود. این کشور در دولت قاجار نیز به خاطر وام‌هایی که اعطا کرده بود و تعلیم بریگاد برگزیده قزاق که به سربازان آن دستور داده شده بود روزی سه بار به زبان ترکی بگویند «هورا امپراطور، چخ ساقول شاه» نفوذ داشت (اکبری، ۱۳۸۴). در دهه ۱۸۹۰ م (۱۲۷۰ ش)، روسیه در رقابت تدریجی و مسالمت‌آمیز بر سر تسلط بر ایران، آرام‌آرام بر بریتانیا پیشی می‌گرفت، اما در سطح جهانی هنوز از سایر قدرت‌های امپریالیستی عقب بود و از ضعف‌های داخلی در زمینه قدرت نظامی و صنعتی رنج می‌برد (که نمونه آن شکست از ژاپن در جنگ ۵-۱۹۰۴ م، و تلاش برای انقلاب در سال ۱۹۰۵ بود). موازنه قوا به‌طور دقیق در توافق انگلیس و روسیه در سال ۱۹۰۷ م (۱۲۸۶ ش) بازتاب می‌یافت که ایران را به مناطق نفوذ سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد. روس‌ها ثروتمندترین و پرجمعیت‌ترین ایالات ایران را به چنگ آوردند، درحالی‌که حوزه نفوذ بریتانیا کاملاً محدود بود (میدان‌های نفتی‌ای که یک سال بعد از این تاریخ کشف شد، در منطقه بی‌طرف قرار داشت). درحالی‌که دو قدرت برای مقابله با تهدید فزاینده آلمان در سطح جهانی و محدود کردن اثرات انقلاب مشروطیت ۱۱-۱۹۰۶ م ایران متحد می‌شدند. «مسابقه بزرگ» با این نحوه تقسیم منافع در ایران به پایانی آرام و بی‌سروصدا انجامید (فوران، ۱۳۷۱، ۳۷).

### سرمایه‌داری در دوره قاجار

در دوره قاجار شیوه‌های تولیدی همچنان به حیات خود ادامه دادند، با این تفاوت که شیوه تولیدی سرمایه‌داری کوچکی با ویژگی‌های تاریخی منحصربه‌فرد خود پدید آمد و سرمایه خارجی در آن نقش مسلط داشت و شیوه تولید خرده کالایی در صنایع دستی به شدت بر اثر ورود محصولات غربی آسیب دید و بخش کشاورزی به نحو فزاینده‌ای به کشت محصولات تجاری و صادراتی روی آورد. به‌طور مشخص‌تر شکل‌بندی اجتماعی جامعه ایران در دوره قاجار مبتنی بر چهار شیوه تولید بوده است، که

سهم و نسبت آن‌ها در جامعه ایران عبارت بوده‌اند از: شیوه تولید سرمایه‌داری (۴-۳ درصد)، شیوه تولید خرده کالایی (۲۲-۱۷ درصد)، شیوه تولید دهقانی مبتنی بر سهم بری از محصول درصد (۵۵-۵۰ درصد) و شیوه تولید دامداری مبتنی بر کوچ (۲۵ درصد) بنابراین در این دوره با شکل‌گیری نیروی جدیدی روبه‌رو هستیم که در فرایندهای اقتصادی و اجتماعی کشور به دنبال نقش آفرینی است (تیموری، ۱۳۳۲).

رقابت روسیه تزاری بر سر کسب نفوذ در ایران در خلال قرن نوزدهم به‌طور مستمر افزایش یافت تا آنجا که این قدرت اروپایی با فرارسیدن سال ۱۹۱۴ میلادی بر تجارت خارجی ایران تسلط یافت و همگام با آن، نفوذ سیاسی و نظامی قابل‌ملاحظه‌ای نیز کسب کرد. با پیوستن ایران به اقتصاد جهانی، بازارهای محلی در اقتصاد ملی ادغام شدند و با واردات محصولات کارخانه‌ای، حجم تجارت افزایش یافت و صدور محصولات کشاورزی به‌ویژه پنبه، برنج، تنباکو و... خودکفایی جامعه محلی را از بین برد و کشاورزی تجاری را رواج داد و برخورد و دادوستد شهر و روستا، صادرکنندگان و روستاییان و رباخواران و کشاورزان را بیشتر کرد (فوران، ۱۳۷۱، ۹۷).

فوران با ارائه آمار و اطلاعات از میزان و حجم صادرات و واردات ایران با سایر کشورها و به‌ویژه انگلستان و روسیه از سلطه بی‌چون‌وچرای قدرت خارجی در روابط با ایران یاد می‌کند. وی اشاره دارد که ایران اواخر دوره قاجار آشکارا با تعریف والرشترین از پیرامون همخوانی دارد. پیرامون اقتصاد جهانی، آن بخش جغرافیایی است که تولید در آن به‌طور عمده محدود به تولید کالاهای کم‌مرتب (به این معنی که به نیروی کار تولیدکننده این کالا پاداش بالنسبه اندکی تعلق می‌گیرد) اما بخشی تفکیک‌ناپذیر از نظام کلی تقسیم کار است، زیرا کالاهای موردبخت برای کار روزانه ضروری است.

در عصر قاجار، اقتصاد متکی به تولید زراعی و کالایی در مقابل اقتصاد متکی به تجارت و صدور مواد خام و ورود مواد ساخته‌شده تسلی می‌گردد. جامعه روستایی و جامعه ایلی در چارچوب شرایط تولیدی، اجتماعی و فرهنگی کهن بی‌هیچ نوآوری و ابداعی تن به فقر روزافزون می‌دهند و جامعه شهری متأثر شده از هجوم سرمایه و کالای بیگانه و شرایط برونی، خود را در فروپاشی چارچوب‌های کهن زیست و تولید می‌یابد، بی‌آنکه در این فروپاشی مؤثر افتاده باشد. شهر در دوره قاجار به‌عنوان مرکز حکومتی و تجاری و بازرگانی، بیش از آن‌که در ارتباط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی با روستاها و منطقه تابعه خود باشد، متأثر از شرایط ورود و گردش کالا و سرمایه خارجی است و بدین سبب در دوره قاجار آن دسته از شهرهایی رونق می‌یابند که از دیرباز نقش بازرگانی داشته و درهای خود را بر روی جریان‌های تجاری و مبادلات بین‌المللی گشوده بودند (حیبی، ۱۳۸۳، ۱۲۳).

حکومت قاجارها معایب نظام نیرومند مرکزی و معایب نظام‌های ملوک‌الطوایفی را از نظر ایجاد شرایط لازم برای رشد سرمایه‌داری مستقل در خود گردآورده بود و با ایجاد نامی‌های گوناگون، مانع رشد و توسعه سرمایه‌داری صنعتی که نیازمند ثبات و امنیت است، می‌گردید و تنها روزنه‌هایی برای رشد سرمایه‌داری تجاری باز می‌گذاشت.

### نفوذ دولت روسیه در اقتصاد ایران

روس‌ها در سال ۱۸۶۹ م، امتیاز بهره‌برداری انحصاری صید ماهی در آب‌های شمال ایران را گرفتند. انگلیسی‌ها در سال ۱۸۷۲ م در قالب امتیاز رویترا، کشیدن راه آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج معادن، تأسیس بانک، ساخت آسیاب، کارخانجات، راه، کشیدن تلگراف و اداره گمرکات را به مدت ۲۵ سال در اختیار گرفتند. پادشاه ایران با اعتراض روس‌ها به امتیاز رویترا در سال ۱۸۷۴ م، امتیاز تأسیس خط آهن را به روس‌ها واگذار کرد. به‌علاوه، در سال ۱۸۷۸ م، قزاقخانه را به دولت روس واگذار و به استخدام افسران روسی برای لشکر قزاق پرداخت. در سال ۱۸۹۰ م، روس‌ها امتیاز تأسیس بانک استقراسی را از دولت ایران گرفتند. به سبب این امتیازات که تعداد آن‌ها ۸۳ مورد است، تجارت خارجی ایران در دوره قاجار در عمل در دست دولت‌های بزرگ قرار گرفت (احمدی، ۱۳۹۲، ۲۶۷).

نفوذ دولت‌های بزرگ در اقتصاد ایران چهار پیامد عمده داشت: ۱- دولت‌های بزرگ امکان فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در برخی حوزه‌های صنعتی مانند ارتباطات، راه‌آهن، معادن، کبریت‌سازی، شکر، شیشه‌سازی و غیره را به دلیل دارا بودن حق انحصاری تا حدود زیادی مسدود کردند. ۲- دولت‌های بزرگ با ترویج گسترده کالاهای خود در بازار ایران، صنایع ایران به‌ویژه صنعت دستی را به دلیل عدم توانایی در رقابت، در معرض نابودی و ورشکستگی قرار دادند. کنسول آگانور<sup>۱</sup> در اواخر قرن نوزدهم از اصفهان گزارش کرد، بیشتر صنایع محلی به تدریج در حال از بین رفتن هستند، چون اقلام وارداتی بسیار ارزان‌تر از تولیدات محلی است. یک عامل اساسی ارزانی کالاهای خارجی، معافیت‌های گمرکی و عدم پرداخت حق راهداری از سوی تجار و بازرگانان خارجی و محرومیت تجار ایرانی از این امر بود. ۳- دولت‌های بزرگ به دلیل نیاز به مواد اولیه، به تدریج ایران را به سمت تولید مواد اولیه و خام سوق دادند. به‌عنوان مثال، با کاهش تولید پنبه در اواسط قرن نوزدهم در نتیجه جنگ‌های داخلی آمریکا و نیاز آن‌ها به تأمین پنبه برای فعالیت صنایع یا به دلیل سود هنگفتی که از فروش تریاک به دست می‌آمد، کشت پنبه و تریاک را در ایران مورد تشویق قرار دادند. به‌طور طبیعی، سرمایه‌داران ایرانی که قادر به رقابت در حوزه تولیدات صنعتی نبودند، ترجیح می‌دادند، سرمایه‌های خود را به این بخش انتقال دهند زیرا هم خریدار مطمئن وجود داشت و هم خطر ورشکستگی کاهش می‌یافت. ۴- دولت‌های بزرگ با کنترل درآمد نفت ایران که از ۱۹۰۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت، مانع از کاربرد نفت در توسعه بخش صنعت ایران شدند (احمدی، ۱۳۹۴، ۲۶).

عدم حمایت دولت از سرمایه‌داران ایرانی و عدم امنیت سرمایه‌های صنعتی آنان در اواخر دوره قاجاریه از یک‌سو و تقاضای کشورهای اروپایی از جمله روسیه برای مواد اولیه و کشاورزی ایران، از سوی دیگر باعث شد سرمایه‌داران ایرانی صلاح را در آن ببینند که حجم قابل توجهی از سرمایه‌های خود را به بخش کشاورزی منتقل کنند. به تدریج، تهیه و تأمین مواد اولیه رواج یافت و ایران به صدور محصولات کشاورزی اشتها یافت. در سال ۱۸۸۰ ترکیب کالاهای صادراتی ایران شامل ابریشم ۱۸ درصد، منسوجات نخی و پشمی ۱ درصد، غلات ۱۶ درصد، میوه‌جات ۶ درصد، تنباکو ۵ درصد، پنبه ۷ درصد، تریاک ۲۶ درصد، فرش ۴ درصد و موارد متفرقه ۱۷ درصد بود (عیسوی، ۱۳۶۲).

واردات بی‌رویه، همواره ضربات سختی بر صنعت ایران وارد کرد. تجار و صنعت‌گران ایرانی نامه‌های متعددی به محمدشاه قاجار نوشتند و از او خواستند، ورود کالاهای خارجی را به خاطر لطمه‌ای که به تولیدات داخلی می‌زند، ممنوع کند، ولی او هیچ‌گاه به آن‌ها پاسخی نداد (قاضی‌ها، ۱۳۸۰). واردات بی‌رویه کالاهای خارجی به‌زودی منجر به نابودی کارگاه‌ها و صنایع کشور در دوره قاجار گردید. به‌عنوان مثال، شهر اصفهان در دوران حکومت فتحعلی شاه ۱۲۵۰ کارگاه کوچک و بزرگ برای تولید پشم داشت. این مقدار در طول سلطنت محمدشاه به ۴۸۶ کارگاه و در اواخر دهه ۱۸۷۰ به ۱۲ کارگاه تنزل یافت. در اواسط قرن نوزدهم، امیرکبیر با درک پیامدهای زیان‌بار واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، مخالف تبدیل ایران به بازار فروش کالاهای خارجی بود. واردات بی‌رویه کالا به ایران در دوره‌های بعد نیز با اندکی استثناء در دوره پهلوی اول، همچنان تداوم یافت. میزان واردات ایران از ۶۳۱ میلیون ریال در سال ۱۳۱۰ به ۱۰۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۲، ۲۴/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ و ۷۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسید (وطن‌خواه، ۱۳۸۰).

### تجارت با روسیه

روابط تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار بسیار توسعه پیدا کرد و کم‌کم دست سایر کشورهای اروپایی از بازارهای ایران کوتاه گردید و فقط دولت روسیه بود که مواد خام مورداحتیاج کارخانجات خود را از ایران به روسیه صادر می‌کرد و در عوض محصولات کارخانجات خود را در بازارهای ایران به فروش می‌رسانید از جانب دیگر دولت روسیه که از دو دوره جنگ با ایران به قسمتی از مقاصد خود دست پیدا کرده بود و سرزمین‌های وسیع و حاصلخیزی را در قفقاز تصرف کرده بود و در ضمن نفوذش در

<sup>۱</sup> V. Aganoor



دربار ایران به مقدار زیادی افزایش یافته بود، فرصت را برای پیشرفت به سوی هندوستان مناسب دید. روسیه مرتب دولت ایران را تشویق به لشکر کشی و تصرف «هرات» می نمود و وعده هر گونه مساعدتی را به فتحعلی شاه می داد (سایکس، ۱۳۷۰، ۵۳۰). شرکت های ایرانی زیادی در این دوره تأسیس شد که در مناسبات تجاری ایران و روسیه نقش داشتند:

۱- تجارتخانه تومانیانس: این تجارتخانه یکی از معتبرترین موسسه های اقتصادی ایران بود که در زمینه صادرات محصولات مختلف مانند میوه و خشکبار، ابریشم، پنبه به روسیه و واردات آهن و دیگر کالاهای روسی به ایران فعالیت می کرد. این تجارتخانه در آن زمان خشکبار و ابریشم به روسیه صادر می کرد و آهن آلات و دیگر کالاهای روسی را به ایران می آورد؛ و فعالیت خود را در دیگر شهرهای شمالی مانند انزلی و رشت و بارفروش گسترش دادند. این تجارتخانه ابتدا در زمینه صادرات و واردات فعالیت می کرد، اما به تدریج افزایش ثروت این موسسه، صاحبان آن را به سمت تولید مستقیم محصولات صادراتی کشاند. به گونه ای که افزون بر آذربایجان، در گیلان، مازندران، قزوین و ساوه و دیگر مناطق به تولید پنبه، میوه و خشکبار و ابریشم پرداختند. آن ها در امر ملک داری، کارهای بانکی و صرافی نیز فعالیت می کردند. هنگام جنگ های داخلی آمریکا (این کشور بزرگ ترین تولیدکننده پنبه بود) پنبه ایران اهمیت بسیاری یافت و برادران تومانیانس از راه فروش پنبه و صادرات آن به روسیه سود فراوانی بردند. از دیگر کارهایی که تجارتخانه تومانیانس به آن اهتمام می ورزید، استخراج برخی معادن نظیر مس، زغال سنگ و گوگرد و تأسیس کارخانه هایی برای پاک کردن پنبه و خشک کردن میوه و تجارت نقره بود. در آن زمان قیمت نقره در ایران در مقایسه با طلا از مراکز جهانی گران تر بود و چون برای صادرات و واردات فلزات محدودیت چندانی وجود نداشت، برخی از موسسه ها از جمله تومانیانس با وارد کردن نقره و صادر کردن طلا سود سرشاری می بردند. بخش عمده ای از فعالیت تجاری تومانیانس با روسیه از راه دریای خزر انجام می شد. آن ها دو کشتی کوچک بخار در دریای خزر (چنانکه دولت روسیه هم به آن ها اجازه داده بود) به آب انداخته بودند و بین انزلی و بادکوبه وظیفه حمل و نقل و جابه جایی مسافر را بر عهده داشتند. تجارتخانه تومانیانس در مواقع حساس و بحرانی از لحاظ مالی به دولت مرکزی ایران کمک می کرد، برای مثال هنگامی که در سال ۱۳۱۸ ق دولت ایران کوشید تا مبلغ ۲۲/۵۰۰/۰۰۰ منات طلا با بهره پنج درصد از دولت روسیه قرض بگیرد، الکساندر تومانیانس<sup>۱</sup> پذیرفت که مبلغ مزبور را به دولت ایران بپردازد. تجارتخانه تومانیانس از لحاظ فعالیت اقتصادی و تجاری به دو بخش تقسیم می شد، یک بخش آن به مربوط به ایران و بخش دیگر مربوط به روسیه بود. در ابتدا هر دو بخش با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشتند؛ اما بعدها از نظر اقتصادی و حسابداری، به ویژه در سال های پیش از جنگ جهانی اول از یکدیگر جدا شدند، به گونه ای که حتی نوع فعالیت هایشان در روسیه و ایران متفاوت شد. شعبه های تجارتخانه تومانیانس در روسیه، در شهرهای بادکوبه، حاجی ترخان و مسکو دایر بود و این موسسه با برخی از بانک های اروپایی مرکزی و غربی ارتباط داشت و کارهای خود را در وین، برلن، پاریس، لندن و قسطنطنیه از طریق آن ها انجام می داد. شعبه های تجارتخانه مزبور در ایران در شهرهای تهران، تبریز، رضایه، رشت، انزلی، قزوین، سبزوار و گرگان فعالیت می کرد. این تجارتخانه پس از پایان جنگ جهانی اول با بحران شدیدی روبرو شد. هنگامی که بخشی از دارایی این موسسه در روسیه توقیف شد، در ایران نیز مردم سپرده های خود را درخواست کردند و با وجود آنکه دارایی موسسه از بدهکاری اش بیشتر بود، به دلیل دسترسی نداشتن به همه اموال و دارایی خود، نتوانست از عهده مشکلات بر آید. در نتیجه ورشکست و توقیف شد.

<sup>۱</sup> A.tomaniyans

- ۲- تجارخانه آرامیانس<sup>۱</sup>: کار اصلی شرکت آرامیانس صادر کردن پنبه و پشم به روسیه و وارد کردن نقره و قماش از آن کشور بود.
  - ۳- تجارخانه بدل آرزومانیان: بخشی از مواد خام مورد نیاز بازارهای روسیه را از ایران تهیه و به آن کشور صادر و در مقابل شمش نقره و برخی کالاهای روسی را به ایران وارد می کردند.
  - ۴- تجارخانه صفائیه: این شرکت در زمان مظفردالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق) در شهر ساری تشکیل شد و ریاست آن را عمده التجار، حاجی محمدحسن تاجر، بر عهده داشت. این موسسه در مازندران و برخی مناطق دیگر نظیر تهران، اصفهان، یزد فعالیت می کرد و در باکو هم نمایندگی داشت و از راه دریای خزر به تجارت مشغول بود (حسنی، ۱۳۸۸، ۱۳۷-۱۳۹).
- روس ها بازارهای شمالی و تا حدی نواحی مرکزی و جنوبی ایران را در اختیار داشتند. حدود دوسوم تجارت ایران در اختیار روسیه بود. بازرگانان روسی در بخش های گوناگون از جمله راه سازی و حمل و نقل، تأسیسات بندری و شیلات سرمایه گذاری کرده بودند. بخشی از سرمایه گذاری روس ها در بخش معدن بود؛ مانند قراچه داغ آذربایجان که حکومت ایران به موجب این قرارداد آن را به مهندسان روسی به نام های کورماکف، لومنتزکی، نمایندگان گوریانف و ایناکیف واگذار کرده بود (شمیم، ۱۳۷۹).
- از مهم ترین تجارخانه های روسی در ایران می توان موارد زیر را نام برد:
- ۱- تجارخانه کوکاروف<sup>۲</sup>: بازرگانان روسی، این تجارخانه را در سال های دهه ۱۲۶۶ ق در ایران تأسیس کرد.
  - ۲- تجارخانه ن.ن. کونشین<sup>۳</sup>: کونشین یکی از بازرگانان توانای روسی بود که در سال های ۱۳۰۲-۱۳۰۷ ق کالاهایی به ارزش ۶۶۰/۰۰۰ روبل وارد ایران کرد، اما چون معادل صد هزار روبل ضرر کرد از تجارت با ایران چشم پوشید.
  - ۳- بانک استقراضی: بانک استقراضی افزون بر فعالیت یانکی و پرداخت وام در قبال گرفتن اموال در صادرات و واردات اجناس ایرانی و روسی نقش داشت؛ به عبارت دیگر به شکل واسطه ای عمل می کرد. این بانک در مناطق مختلف شمال ایران، مرکز و غرب و شرق ایران مثل جلفا، انزلی، اصفهان، مشهد، سبزوار، نصرت آباد، رشت، تبریز، تهران، همدان، کرمانشاه و ارومیه شعبه داشت.
  - ۴- تجارخانه سوریان کوسیج<sup>۴</sup>: این شرکت جزئی فروش بود و در زمینه فروش چینی و شیشه فعالیت می کرد. مرکز آن در تهران بود و سالیانه حدود صد هزار روبل فروش داشت.
  - ۵- دفتر حمل و نقل ایران: این موسسه تجاری در جلفا، آستارا، رشت، بندرگز، تهران و مشهد در امور حمل و نقل کالا و جابه جایی مسافر فعالیت می کرد. بنگاه حمل و نقل ایران در حوالی کارگاه سراجی و درودگری خود در رشت کارگاه های تعمیر ابزار کار، تولید چرخ های دستی، کارگاه آهنگری با دو کوره، کارگاه ساخت وسایل تراش آهن و پنج کوره قابل حمل تأسیس کرد.
  - ۶- بنگاه تجاری روسیه و ایران: مرکز این مجتمع در مسکو بود و در تهران و بوشهر نمایندگی داشت.
  - ۷- شرکت کشتی رانی تجار و تجار روسی: شرکت های کشتی رانی روسی افزون بر فعالیت در دریای خزر، در بندرهای خلیج فارس هم کار می کردند. این شرکت به خط ادسا- خلیج شهرت داشت. کشتی های این شرکت در سال، چهار سفر انجام می دادند و با بندرعباس، لنگه، بوشهر و خرمشهر ارتباط داشتند. نمایندگان شرکت در بوشهر، ام آ. کنف، در بندرعباس، آقا سلیمان عوضی، در بندرلنگه، حاجی عبدالرحمن کاظم و در خرمشهر ام. بازیل بود.

<sup>1</sup> aramiyanes

<sup>2</sup> kokarof

<sup>3</sup> N.n.konshin

<sup>4</sup> S.kosij

- ۸- اصلانیانس<sup>۱</sup>: مرکز این تجارتخانه در تهران بود و کارش واردات شکر روسیه به ایران و صادرات پوست بره، میوه‌های خشک به روسیه بود. این تجارتخانه سالیانه هشتصد هزار روبل فروش داشت.
- ۹- شرکت روسیا<sup>۲</sup>: این شرکت در تهران نمایندگی داشت و در زمینه بیمه فعال بود.
- ۱۰- پروخوروف: مرکز این کمپانی در مسکو بود و در تهران نمایندگی داشت. کار این شرکت واردات پارچه‌های کتان روسیه به ایران بود و سالیانه هزار عدل پارچه به ارزش سیصد هزار روبل فروش داشت (حسینی، ۱۳۸۸، ۱۴۲).

### نتیجه گیری

ایران در دوره قاجار از طریق رشد شیوه تولیدی سرمایه‌داری، اقتصادش با اتکا به کشاورزی و تجاری شدن محصولات، وارد مبادله با اقتصاد جهانی گردید و تنها محصولات صادراتی آن مواد اولیه و خام است. فوران با تکیه بر رویکرد مکتب‌باستگی جدید و به‌ویژه نظر کاردوزو گسترش مبادله مواد خام مانند، تریاک، پنبه، برنج، گندم، تنباکو، خشکبار و دانه‌های خوراکی، ابریشم و پشم با محصولات ساخته‌شده اروپایی و سلطه اروپا در کار مبادله، تعرفه‌ها و حمل‌ونقل، جملگی شاخص‌های روشن الگوی حاشیه‌ای شدن و وابستگی اقتصاد ایران می‌داند. ارتباط و پیوند اقتصاد کشور با اقتصاد نظام سرمایه‌داری و تجاری شدن محصولات کشاورزی منجر به طی گام‌های بعدی برای اقتصاد ایران و رخ دادن تحولاتی مشابه غرب در ایران نشد. ایران نقش حاشیه‌ای و وابسته در اقتصاد جهانی بر عهده گرفت و زمینه همزیستی شیوه تولید سرمایه‌داری با شیوه‌های تولید کهن در آن فراهم آمد. با پذیرش این امر که نظام اقتصادی، اجتماعی کشور در عصر قاجار نظامی از نوع سرمایه‌داری تجاری وابسته است، باید گفت: نظام سرمایه‌داری متکی به تقسیم و باز تقسیم فرایند تولید و لذا به تمرکز دائمی تمایل دارد. گسترش شهرها هم در سده نوزدهم به دلیل خدمتگذاری به نظام سرمایه‌داری جهانی و ایفای نقش برای آن می‌باشد؛ بنابراین، دلیل عمده توسعه نیافتگی کشور و با اتکاء به مازاد اقتصادی تولیدات کشاورزی، خروج این مازاد از طریق شیوه تولید سرمایه‌داری و ماهیت سرمایه‌داری وابسته اقتصاد کشور است. فرآیندهای مورد عمل در نظام اقتصادی و اجتماعی برای تبیین توسعه نیافتگی دوره قاجار عوامل (شیوه تولید سرمایه‌داری، تجاری شدن کشاورزی، اقتصاد سرمایه‌داری وابسته، خروج ارزش افزوده و مازاد اقتصادی از روستاها و شهرها و بی‌بهره ماندن اقتصاد ملی از آن) را می‌توان ذکر کرد.

### منابع

۱. "اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه"، (۱۳۸۷)، ترجمه مسلمانان قبادیانی، رحیم، مسلمانان قبادیانی، به کوشش دکتر حسین احمدی، تهران، وزارت امور خارجه.
۲. احمدی، سیروس، (۱۳۹۴)، "تحلیل تاریخی موانع توسعه صنعتی ایران"، شماره ۴۶.
۳. احمدی اختیار، مهدی، محمدی، دهقان‌نژاد، مرتضی، (۱۳۸۸)، "تحلیلی بر قرارداد گمرکی ایران و روسیه در دوره قاجار"، سال ششم، شماره دوم، ص ۷-۲۵.
۴. احمدی، سیروس، (۱۳۹۲)، "جامعه‌شناسی صنعتی"، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. اخوان کاظمی بهرام (۱۳۹۱)، نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلائو و کاربرد آن در سیاست، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۰-۱.
۶. اسفندیاری سیمین (۱۳۸۸)، سوژکتیویسم دکارت: نقطه عزیمت فلاسفه عصر جدید، حکمت و فلسفه، سال پنجم، شماره اول بهار ۱۳۸۸، ص ۱۲۸-۱۱۳.

<sup>1</sup> aslaninees

<sup>2</sup> russian

۷. اکبری، صادق، معیدفر، سعید، (۱۳۸۴)، "مناسبات روستا - شهر و دلایل توسعه نیافتگی ایران در دوره قاجار"، سال سوم، شماره ۷۰۶.
۸. آب نیکی حسن (۱۳۸۵)، جورج اورول و سرگشتگی سوژه سیاسی مدرن، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما: دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی.
۹. آب نیکی حسن (۱۳۸۸)، تحول مفهومی رابطه سوژه و سیاست در اندیشه سیاسی قرن بیستم، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۸، ۳۶-۷.
۱۰. آهانگران، امیر، (۱۳۸۸)، "واکاری علل ناکامی فتحعلی شاه قاجار در جنگ های ایران و روس نبردهای قفقازیه"، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۱، ص ۱۰۱-۱۳۲.
۱۱. تاجیک محمدرضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، فرهنگ گفتمان.
۱۲. تاجیک محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پاد گفتمان و سیاست، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۳. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم (ج ۱)، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، برنامه و بودجه.
۱۴. تیموری، ابراهیم، (۱۳۷۹)، "گوشه ای از تاریخ ایران"، علوم سیاسی، شماره ۱۵۷ و ۱۵۸، ص ۱۳۶-۱۵۱.
۱۵. جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۸۴)، "تاریخ روابط روس و ایران"، تهران: سخن.
۱۶. حسینی، سید رحمان، (۱۳۸۸)، "نقش شرکت های تجاری ایران و روسیه در اقتصاد دوران قاجار"، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۱، ص ۱۳۳-۱۴۶.
۱۷. حسینی، سید رضا، ۱۳۸۷، "ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه"، تاریخ و جغرافیا، ص ۱-۶۱۵.
۱۸. دریفوس هیوبرت، رابینو پل (۱۳۷۶)، میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۱۹. دکارت رنه (۱۳۹۰)، فلسفه دکارت: شامل یک مقدمه تحلیلی و ترجمه سه رساله ۱. قواعد هدایت ذهن، ۲. اصول فلسفه، ۳. انفعالات نفس: ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات الهدی، چاپ دوم.
۲۰. ذوقی، ایرج، (۱۳۷۸)، "تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت های بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰"، تهران: پازنگ.
۲۱. ربانی خوارسگانی علی، میرزایی محمد (۱۳۹۳)، ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان، مجله غرب شناسی بنیادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۴۶-۲۳.
۲۲. رستم نژاد، علی، منتظرالقائم، اصغر، فیاض انوش، ابوالحسن، (۱۳۹۵)، "بررسی سیاست ها و چالش های اقتصادی ایران در بحران اقتصادی ۱۹۲۹"، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۶، ص ۶-۳۵.
۲۳. رضازاده، سخاوت، (۱۳۸۵)، "روابط تاکتیکی نگاهی به مناسبات ایران و روسیه"، زمانه، شماره ۴۳، ص ۷۰-۷۷، فروردین.
۲۴. روشن ضمیر، مونیکا، (۱۳۵۷)، "نفوذ اوج فرانسه (بردبار ایران در زمان فتحعلی شاه قاجار و تأثیر آن بر سیاست ایران در برابر روسیه)"، شماره ۶۹، ص ۸۹-۱۰۱.
۲۵. زیدی، سمیه، (۱۳۸۷)، "عهدنامه گلستان علل شروع جنگ و علل شکست ایران"، تاریخ ایران.
۲۶. سرخوش نیکو (۱۳۸۹)، سیاست و هویت، دو فصلنامه پژوهشی شناخت، شماره ۶۳/۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۹۹.
۲۷. سعیدی نیا، (۱۳۸۹)، "تحولات تاریخی گمرک ایران و رونق اقتصادی در دوره قاجاریه"، تاریخ ایران، شماره ۵.
۲۸. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی.
۲۹. سولومون رابرت (۱۳۷۹)، فلسفه اروپایی؛ طلوع و افول خود، ترجمه: سعید حنایی کاشانی، تهران: قصیده سرا.
۳۰. شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۹)، "ایران در دوره سلطنت قاجار"، تهران، انتشارات زریاب، ص ۸۴.
۳۱. شهواری، ابوالحسن، (۱۳۸۸)، "بررسی اجمالی موانع رشد تجارت و شیوه های معامله در دوره قاجاریه"، دوره ۷، شماره ۲.
۳۲. علم، محمدرضا، بریسم، زهرا، (۱۳۹۴)، "بررسی وضعیت گمرک در دوره ی مظفرالدین شاه"، شماره ۱۲، ص ۳۵-۴۶.
۳۳. علمداری، کاظم، (۱۳۸۴)، "چرا ایران عقب مانده و غرب پیشرفت کرد؟"، تهران، نشر توسعه، چاپ دوازدهم.
۳۴. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، "تاریخ اقتصادی ایران"، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره.
۳۵. فاضلی محمد (۱۳۸۳)، گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷-۸۱.
۳۶. فوران، جان، (۱۳۷۸)، "مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب"، (احمد تدین، مترجم). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۷. فوران، جان، طایفی، علی، (۱۳۷۱)، "مفهوم توسعه وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار قسمت اول"، ص ۳۴-۳۹.
۳۸. فوکو میشل (۱۳۹۳)، دیرینه شناسی دانش، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نشر نی.

۳۹. قاضی‌ها، فاطمه، (۱۳۸۰)، "اسناد روابط ایران و روسیه در دروان فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار"، تهران، وزارت امور خارجه.
۴۰. کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۷)، "اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی".
۴۱. کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۱)، "اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سال های پهلوی"، چاپ هیجدهم، مترجمان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
۴۲. کاظم بیگی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، "طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران"، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۲۳، ص ۱۱۹-۱۵۰.
۴۳. کسرائی محمد سالار، پوزش شیرازی علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلائو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، سیاست، دوره ۳۹ شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، ۳۶۰-۳۳۹.
۴۴. کسلر دیرک (۱۳۹۴)، نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن ها، ترجمه: کرامت الله راسخ، تهران: نشر آگه.
۴۵. کلنگ استوارت (۱۳۸۳)، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه: مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۶. لاکلائو ارنستو، موفه شانتال (۱۳۹۳)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی: به سوی ساست دموکراتیک رادیکال، ترجمه: محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.
۴۷. مارش واستوکر (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۸. مالپاس سایمون (۱۳۸۷)، پست‌مدرن، ترجمه: حسین صبوری، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۴۹. محمود، محمود، (۱۳۵۳)، "تاریخ روابط سیاسی ایران و روس"، چ چهارم، تهران
۵۰. مقدمی محمدتقی (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه و نقد آن، معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰، ص ۹۱-۱۲۴.
۵۱. مک دائل دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه نوزدی، تهران، فرهنگ گفتمان.
۵۲. منصور بخت، قباد، (۱۳۸۸)، "کشاورزی تجاری در دوره قاجاریه"، تاریخ ایران، شماره ۵.
۵۳. موسوی، سید رسول، (۱۳۷۵)، "روس‌ها در چشم ایرانیان آسیب‌شناسی روابط ایران و روسیه"، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، ص ۵۱-۶۰، بهار.
۵۴. موفه شانتال (۱۳۹۱)، درباره امر سیاسی، ترجمه: منصور انصاری، تهران: رخداد نو.
۵۵. موفه شانتال (۱۳۹۲)، بازگشت امر سیاسی، ترجمه: عارف اقوامی مقدم، تهران: رخداد نو.
۵۶. میلر پیتر (۱۳۸۲)، سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
۵۷. نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، کویر
۵۸. نوریس، کریستوفر (۱۳۸۵)، شالوده شکنی، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
۵۹. وطن خواه، مصطفی، (۱۳۸۰)، "موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران"، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۰. هزاهو ای، سید مرتضی، (۱۳۸۵)، "تأثیرپذیری سیاستهای توسعه در ایران از الگوهای مسلط غربی"، علوم سیاسی، شماره ۴، ص ۱۶۵-۲۰۰.
۶۱. هنری یدالله، آزرمی علی (۳۹۲)، بررسی و تحلیل استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلائو و موفه، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۱۸-۹۵.
۶۲. هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه علی اصغر سلطانی، ش ۲، ص ۱۸۲-۱۵۶.
۶۳. یحیایی، داوود، ماهینی، فاخته، (۱۳۸۸)، "جنگ های ایران و روس در عهد فتحعلی شاه قاجار"، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۹، ص ۱۵۷-۱۷۸.
۶۴. یورگنسن ماریان، فیلیپس لوئیز (۱۳۹۳)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.